

در نشست علمی واکاوی «مبانی فقهی و اصولی امام سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی» که با حضور جمعی از پژوهشگران حوزوی و به‌همت مرکز فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی تبیان افغانستان و با همکاری معاونت پژوهش مجتمع آموزش عالی فقه، در نمایندگی این مرکز در قم برگزار شد، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمصطفی احمدی سیستانی در سخنانی، با اشاره به ضرورت پرداختن روش‌مند و مستند به مبانی علمی حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، اظهار کرد: آنچه تاکنون در برخی نشست‌ها و سخنرانی‌ها درباره شخصیت علمی ایشان ارائه شده، در مواردی بیش از آنکه ناظر به مبانی واقعی فقهی و اصولی ایشان باشد، در سطح برخی کلیات باقی مانده است و همین امر موجب شده که هنوز بخش مهمی از ظرفیت علمی این منظومه فکری، آن‌گونه که باید و شاید، معرفی نشود.

به گزارش خبرگزاری صدای افغان (آوا)، وی با اشاره به اهمیت برگزاری چنین نشست‌هایی تصریح کرد: یکی از مشکلاتی که در این زمینه وجود داشته، فقدان ارتباط منظم علمی و درنتیجه، کم‌بودن طرح‌های روشمند و مستند درباره مبانی فقهی امام سیدمجتبی خامنه‌ای تعالی بوده است. در بسیاری از موارد، مطالبی که درباره ایشان ارائه شده، بیشتر در حد برخی اشارات کلی باقی مانده و کمتر به لایه‌های عمیق و ساختاری اندیشه فقهی و اصولی معظم‌له پرداخته شده است.

این استاد حوزه افزود: اگرچه در سال‌های گذشته جلسات و نشست‌هایی در این زمینه برگزار شده، اما کیفیت و غنای علمی این قبیل برنامه‌ها در سطحی نبوده که بتوان از آن‌ها به‌عنوان بازتاب‌دهنده دقیق مبانی اجتهادی و اصولی حضرت امام سیدمجتبی خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی یاد کرد؛ از این‌رو، برگزاری نشست‌های تخصصی و علمی با حضور اساتید، فضلا و پژوهشگران، می‌تواند زمینه‌ساز جبران این خلأ و مقدمه‌ای برای تدوین و تبیین منظومه فکری ایشان باشد.

حجت‌الاسلام احمدی سیستانی، سپس برای تبیین مدعای خود، بحث را از یک مقدمه تاریخی در باب «مدرسه‌داری» در حوزه‌های علمیه آغاز کرد و گفت: در سنت علمی حوزه، باید میان سطوح مختلف مرجعیت و اثرگذاری علمی تفکیک قائل شد. همه عالمان بزرگ لزوماً در یک رتبه قرار نمی‌گیرند؛ برخی به مرتبه اجتهاد می‌رسند، برخی از ظرفیت بالای تربیت شاگرد برخوردار می‌شوند؛ اما تنها گروهی اندک هستند که از سطح اجتهاد فردی و حتی تدریس و تربیت شاگرد فراتر می‌روند و صاحب «مدرسه فکری» می‌شوند.

وی با تأکید بر اینکه «صاحب مدرسه‌شدن» مرتبه‌ای فراتر از اجتهاد است، خاطرنشان کرد: مدرسه‌داری به این معناست که یک فقیه یا اصولی، صرفاً در حل مسائل علمی توانا نباشد؛ بلکه بتواند منظومه‌ای فکری، با مبانی روشن، ساختار مشخص و قدرت امتداد در نسل‌های بعدی پدید آورد. این ویژگی در میان عالمان حوزه فراوان نیست و تنها در شمار محدودی از بزرگان می‌توان از آن سراغ گرفت.

سخنران این نشست در ادامه، شیخ اعظم انصاری رحمته‌الله علیه را یکی از مهم‌ترین نمونه‌های این مدرسه‌داری در تاریخ متأخر حوزه دانست و اظهار کرد: شیخ انصاری، با همه عظمت و جایگاهی که در حوزه‌های علمیه داشته و دارد، تنها یک فقیه بزرگ یا استاد برجسته نبود؛ بلکه بنیان‌گذار یک مدرسه اصولی شد. بخش مهمی از فقه و اصول متأخر شیعه، به‌ویژه در سده‌های اخیر، متأثر از مکتب شیخ انصاری است.

وی در توضیح این مدعا گفت: اهمیت شیخ انصاری فقط به‌خاطر قدرت استدلالی یا غموض علمی آثارش نیست؛ بلکه به این جهت است که وی در علم اصول یک نوآوری بنیادی پدید آورد. شیخ برای نخستین‌بار مباحث اصولی را بر اساس «حالات مکلف» صورت‌بندی کرد و از همین رهگذر، ساختاری جدید برای این دانش سامان داد. این رویکرد در آثار پیش از او، از جمله در کتاب‌هایی چون معالم و قوانین، به این‌صورت دیده نمی‌شود و همین مسئله نشان می‌دهد که شیخ نه فقط ادامه‌دهنده یک سنت، بلکه آفریننده یک نحو تازه از اندیشیدن اصولی بوده است.

استاد احمدی سیستانی، با اشاره به آغاز کتاب رسائل شیخ

انصاری یادآور شد: آن تقسیم‌بندی معروف که مکلف را در مواجهه با حکم شرعی در سه وضعیت شک، قطع و ظن بررسی می‌کند، صرفاً یک دسته‌بندی آموزشی نیست؛ بلکه بیانگر یک نحوه نو از هندسه‌بندی علم اصول است. همین ابداع روشی بود که شیخ را به صاحب مدرسه بدل کرد و سبب شد، آثار او تا امروز در متن آموزش و پژوهش حوزوی باقی بماند.

وی در ادامه، زمینه تاریخی این نوآوری را نیز مورد توجه قرار داد و گفت: ابداع شیخ انصاری رحمته‌الله علیه را باید در متن رویارویی او با جریان اخباری‌گری فهم کرد. اخباریون بر این باور بودند که تکیه بر قواعد عقلی و استدلالی، خط‌آفرین است؛ از این‌رو باید از این نوع استدلال‌ها پرهیز کرد و به روایات بسنده نمود. در چنین فضایی، شیخ با طرح مسئله حجیت ذاتی قطع، در واقع پایه‌های این نگرش را متزلزل کرد و راه را برای دفاعی ریشه‌دار از روش اجتهادی گشود.

حجت‌الاسلام احمدی سیستانی تصریح کرد: همین ورود بنیادین شیخ به مسئله قطع، به‌عنوان یکی از طرق معتبر معرفت، موجب شد تفکر اخباری‌گری در ساحت فکری حوزه به‌شدت تضعیف شود. وی با اشاره به تحولات پس از شیخ افزود: اگرچه پیش از او، چهره‌های دیگری در مواجهه با اخباری‌گری نقش‌آفرین بودند؛ اما آنچه شیخ انجام داد، تثبیت یک الگوی جدید و نافذ در حوزه‌های علمیه بود که آثار آن تا امروز استمرار یافته است.

وی در ادامه، به سیر تطور این مدرسه در نسل‌های بعدی اشاره کرد و گفت: پس از شیخ، همه شاگردان و متأثران از او در یک سطح قرار نگرفتند. در میان آنان، گرچه شخصیت‌های بسیار بزرگ و کم‌نظیری دیده می‌شوند؛ اما «صاحب مدرسه‌شدن»، مرتبه‌ای است که تنها نصیب برخی از آنان شد. در این میان، آخوند خراسانی رحمته‌الله علیه از برجسته‌ترین چهره‌هایی است که توانست در امتداد سنت شیخ، نحله‌ای مستقل و مؤثر پدید آورد. به‌گفته این استاد حوزه، آخوند خراسانی با نگارش آثار خود، هم عمق فهم خویش از مکتب شیخ را نشان داد و هم در مقام بازاندیشی و نقد نسبت به آن ظاهر شد. اگر شیخ بیشتر با رویکرد عقلایی در مباحث اصولی حضور دارد، آخوند خراسانی نحوی از تفلسف را وارد اصول می‌کند؛ تفلسفی که البته به‌معنای فیلسوف‌بودن شخص آخوند نیست؛ اما در نحوه تحلیل‌ها و تقریرات او حضوری روشن دارد.

استاد احمدی سیستانی در ادامه، محقق اصفهانی و محقق عراقی رحمته‌الله علیه را از جمله شاگردان سنت پسا‌آخوندی دانست که هریک به‌نوعی صاحب مدرسه شدند. محقق اصفهانی با قوت بیشتری فلسفه را در علم اصول وارد می‌کند و محقق عراقی، عقل‌ورزی و تفلسف را در هم می‌آمیزد. در کنار این دو، محقق نائینی رحمته‌الله علیه نیز یکی از بزرگ‌ترین مدرسه‌داران مکتب نجف به‌شمار می‌آید؛ هرچند او از نظر هویت علمی، خود را بیش از

در نشست علمی واکاوی «مبانی فقهی و اصولی رهبر معظم انقلاب اسلامی» عنوان شد

حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای در فقه و اصول صاحب مدرسه فکری هستند

آنکه شاگرد آخوند بلداند، شاگرد شیخ می‌دانست.

وی خاطرنشان کرد: محقق نائینی رحمته‌الله علیه با بازگشت خلاقانه به مبانی شیخ و ارائه تقریری تازه از آن‌ها، توانست نحله‌ای مؤثر و ماندگار در اصول فقه نجف پدید آورد. در ادامه این مسیر نیز، آیت‌الله خویی رحمته‌الله علیه را باید یکی از مهم‌ترین چهره‌های مدرسه‌داری در نجف دانست؛ شخصیتی که با بهره‌مندی از محضر بزرگان پیشین و سامان‌دهی یک دستگاه علمی مستقل، برای سالیان متمادی بر فضای فقه و اصول نجف اثرگذار بود.

سخنران نشست سپس به مدرسه قم اشاره کرد و گفت: در سنت علمی قم نیز چهره‌هایی چون آیات عظام: بروجردی و حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله علیه از جمله شخصیت‌های مدرسه‌دار به‌شمار می‌آیند. این مسیر در عصر متأخر در مدرسه قم به اوج خود در شخصیت حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه می‌رسد و در مدرسه نجف نیز شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر رحمته‌الله علیه از قله‌های برجسته مدرسه‌داری در دوره معاصر به‌شمار می‌رود.

حجت‌الاسلام احمدی سیستانی، پس از این مقدمه تاریخی، به مدعای اصلی خود بازگشت و اظهار کرد: بر اساس آنچه حقیر از مکاتب مختلف حوزوی دیده و بررسی کرده‌ام، امام سیدمجتبی خامنه‌ای در زمره صاحبان مدرسه فکری قرار می‌گیرند. اگر کسی صرفاً درباره اجتهاد ایشان سخن بگوید، درواقع از مرتبه‌ای حداقلی سخن گفته است؛ چراکه اجتهاد، کف این بحث است و سخن اصلی در جایگاهی فراتر از آن قرار دارد.

وی افزود: شناخت «صاحب مدرسه‌بودن» یک شخصیت علمی، با چند خاطره، چند پاسخ به استفتاء یا چند ستایش کلی به دست نمی‌آید. این داوری زمانی ممکن است که انسان با سنت‌های اصلی اصولی و فقهی در حوزه‌های نجف، قم و مشهد آشنا باشد، متون محوری این مکاتب را خوانده باشد، آن‌ها را تحلیل کرده باشد و بتواند نسبت میان یک منظومه فکری جدید با میراث گذشته را درک کند. از این منظر، آنچه درباره امام سیدمجتبی خامنه‌ای مطرح می‌شود، صرفاً تمجید از یک شخصیت علمی نیست؛ بلکه سخن از یک ظرفیت مکتب‌ساز در حوزه معاصر است.

این استاد حوزه در بخش دیگری از سخنان خود، یکی از مهم‌ترین وجوه نوآوری در منظومه فکری امام سیدمجتبی خامنه‌ای را نحوه مواجهه ایشان با نسبت «ثبوت» و «اثبات» دانست و گفت: در معرفت‌شناسی و حتی در نظام‌های حقوقی، دو نوع نگاه کلان قابل شناسایی است؛ یک نگاه، نگاه ثبوتی است؛ یعنی انسان ابتدا یک سلسله تعاریف و گزاره‌های کلی و ذهنی را در نظر می‌گیرد و سپس پدیده‌های خارجی را بر اساس آن‌ها تحلیل می‌کند. در مقابل، نگاه اثباتی بر واقعیت‌های عینی، نیازهای اجتماعی و اقتضانات موجود تکیه دارد و می‌کوشد، از دل آن‌ها به فهم و قاعده برسد.



استاد احمدی سیستانی گفت: این دو سنخ نگاه را می‌توان در دانش‌های مختلف مشاهده کرد. در برخی نظام‌های حقوقی، ابتدا نظریه‌ها و تعاریف کلی شکل می‌گیرد و سپس قوانین بر اساس آن‌ها تنظیم و بر جامعه تطبیق می‌شود. در برخی دیگر، واقعیت‌های اجتماعی و نیازهای عینی، نقش پررنگ‌تری در تنظیم قواعد حقوقی ایفا می‌کند. همین دوگانگی را در فقه، اصول، فلسفه و کلام نیز می‌توان مشاهده کرد.

وی افزود: در بسیاری از سنت‌های رایج حوزوی، به‌ویژه در فلسفه و تا حد زیادی در کلام و اصول، غلبه با نگاه ثبوتی است؛ یعنی ابتدا یک تصور کلان و ذهنی ساخته می‌شود و سپس همه تحلیل‌های بیرونی در درون همان دستگاه مفهومی فهم می‌گردد. هرچند این رویکرد در ایجاد انسجام نظری نقش دارد، اما اگر از واقعیت‌های تاریخی، اجتماعی و ارتباطی غفلت کند، می‌تواند انسان را از فهم کامل مسئله بازدارد.

سخنران نشست در ادامه تصریح کرد: امام سیدمجتبی خامنه‌ای نه با نگاه اثباتی صرف موافق‌اند و نه با نگاه ثبوتی صرف. به‌تعبیر بنده، در مبانی ایشان نوعی «منطق تراپطی» وجود دارد؛ یعنی باید میان ثبوت و اثبات، نسبتی متعادل، زنده و روشمند برقرار کرد. نه می‌توان تنها به ظواهر اثباتی اکتفا کرد و از مبانی ثبوتی غفلت ورزید و نه می‌توان صرفاً بر مفاهیم کلی تکیه کرد و نسبت آن‌ها را با زمینه‌های تاریخی و اجتماعی نادیده گرفت.

وی برای توضیح این مسئله، به نمونه‌ای از فهم دینی اشاره کرد و گفت: اگر کسی صرفاً با رویکرد اثباتی به برخی ظواهر دینی بنگرد، چه‌بسا در فهم مفاهیم بلند توحیدی دچار خطا شود؛ درحالی‌که مبانی ثبوتی متقن، این لغزش را اصلاح می‌کند؛

اما در مقابل، اگر کسی تنها در چارچوب گزاره‌های ذهنی و کلی باقی بماند و نسبت آن‌ها را با واقعیات تاریخی و اجتماعی روشن نکند، باز هم دچار نقصان خواهد شد؛ از این‌رو، یکی از نوآوری‌های مهم در مبانی امام سیدمجتبی خامنه‌ای، همین برقراری تناسب میان ثبوت و اثبات است.

این استاد حوزه در ادامه، برای نشان‌دادن کارکرد این مینا

در علم اصول، مسئله «حجیت خبر واحد» را به‌عنوان نمونه مطرح کرد و گفت: در بسیاری از بحث‌های متداول اصولی، تمرکز بر ادله‌ای همچون آیه نبأ، آیه نفر و تقریرات مشهور اصولیان است. این‌ها همه مباحث مهمی هستند و باید مورد توجه قرار گیرند؛ اما از منظر امام سیدمجتبی خامنه‌ای، این سطح از بحث به‌تنهایی کافی نیست.

وی توضیح داد: برای رسیدن به فهم دقیق‌تر از حجیت خبر واحد، باید فضای اعتبارسنجی روایات را نیز واکاوی کرد. یعنی باید به متن تاریخی صدور و نقل حدیث بازگشت و بررسی کرد که روایات چگونه منتقل شده‌اند، چه نسبتی با کتابت داشته‌اند، اصحاب چگونه آن‌ها را ضبط کرده‌اند، این متون چگونه در معرض پرسش، پالایش و عرضه بر معصوم قرار گرفته‌اند و چگونه به‌تدریج در قالب مجموعه‌های معتبر و مشهور سامان یافته‌اند.

استاد احمدی سیستانی با اشاره به جایگاه «اصول» و نوشته‌های اولیه اصحاب گفت: بر اساس این تقریر، وقتی اصحاب سخنان ائمه علیهم‌السلام را می‌نوشتند، این نوشته‌ها صرفاً ثبت خام یک متن نبود. این دست‌نوشته‌ها در طول زمان انباشته می‌شد، محل مراجعه و عمل قرار می‌گرفت و در مرئی و مسمع معصوم علیه‌السلام، به‌تدریج پالایش می‌شد. در چنین شرایطی، اعتبار یک متن فقط به نقل فردی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه بخشی از آن در دل یک فرآیند اجتماعی، علمی و عملی ممتد شکل می‌گیرد.

وی افزود: در این نگاه، اشتها برخی کتاب‌ها یا مجموعه‌های روایی صرفاً یک عنوان پسینی نیست؛ بلکه می‌تواند نشانه مسیری از تداول، عمل، دقت و تأیید عملی در طول زمان باشد؛ البته این سخن به‌معنای پذیرش بی‌قید و شرط همه روایات موجود در کتب مشهور نیست؛ بلکه ناظر به این است که در تحلیل اعتبار روایت، باید شبکه‌ای از عوامل تاریخی و معرفتی را نیز در نظر گرفت.

سخنران این نشست در همین زمینه، به نسبت این تحلیل با مباحث اجماع نیز اشاره کرد و گفت: یکی از تقریرهای بدیع در این زمینه آن است که این نحوه شکل‌گیری و پالایش روایات، از جهاتی می‌تواند ما را به فهم تازه‌ای از برخی تحلیل‌های قدما، از جمله بحث اجماع دخولی در کلمات سیدمرتضی، نزدیک کند. مقصود از این سخن، یکسان‌نگاری کامل این دو نیست؛ بلکه نوعی تقربب تحلیلی برای فهم نقش حضور و تأیید معصوم علیه‌السلام در بستر شکل‌گیری میراث حدیثی است.

استاد احمدی سیستانی در عین حال، تفاوت این رویکرد با اخباری‌گری را نیز مورد تأکید قرار داد و اظهار کرد: اخباریون معتقد بودند که روایات موجود در کتب مشهور، قطعی است؛ درحالی‌که در این تقریر، چنین ادعایی وجود ندارد. برعکس، علم رجال، شناخت راویان، دقت در طبقات، اشتها، عدم اشتها و بررسی ظرایف اسنادی، همچنان جایگاه اساسی خود را حفظ می‌کند.

وی با تمجید از تسلط امام سیدمجتبی خامنه‌ای بر مبانی رجالی افزود: نکات رجالی و دقایقی که از ایشان در این عرصه نقل شده، نشان‌دهنده اشراقی کم‌نظیر بر لایه‌های دقیق دانش رجال و حدیث است.

امیدواریم که این مباحث، با کوشش شاگردان، فضلا و پژوهشگران، به‌صورت منقح و علمی گردآوری و عرضه شود تا جامعه علمی حوزه بتواند با منظومه فقهی و اصولی امام سیدمجتبی خامنه‌ای آشنایی دقیق‌تری پیدا کند. امروز بیش از هر زمان دیگر لازم است از کلی‌گویی‌ها عبور شود و مبانی شخصیت‌های صاحب‌نظر، در قالب تقریرهای علمی، مباحث تطبیقی و نقدهای روشمند در اختیار فضای علمی قرار گیرد.

